

تاریخ و تمدن اسلامی، سال چهاردهم، شماره بیست و هشتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ص ۳-۳۲

## تحلیل برون دینی گزاره‌های نکوهش‌گرایانه درباره زنان در نهج‌البلاغه<sup>۱</sup>

نگار ذیلابی<sup>۲</sup>

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مرضیه محمصص<sup>۳</sup>

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

### چکیده

روایات ملامت‌گرایانه درباره زنان در نهج‌البلاغه، عمدتاً با خارج‌سازی متن از زمینه تاریخی خود با شرایط و دیدگاه‌های مدرن امروزی قیاس می‌شود که در تقابل با دیدگاه‌های مدافع حقوق زنان، به عنوان بخشی از سنت اسلامی - شیعی ناسازگار با این دیدگاه‌های مدرن، تلقی می‌گردد. در این پژوهش افزون بر این‌که نشان داده شده بسیاری از گزاره‌های نکوهش‌گرایانه مربوط به زنان در نهج‌البلاغه فاقد اسناد معتبر است؛ این نتیجه به دست می‌آید که محتوای این گزاره‌ها با انبوهی از گزاره‌های مشابه در متون ادبی سده چهارم به بعد انطباق دارد و این دیدگاه‌های ملامت‌گرانه درباره زنان، با توجه به اقتضائات و شرایط فرهنگی مقارن با عصر تدوین نهج‌البلاغه در سده چهارم، قابل فهم، پذیرفتنی و هم‌سو با ذهنیت‌های عامی است که در بسیاری از متون ادبی و تاریخی عصر تدوین نهج‌البلاغه و پس از آن تا سده‌های متمادی، بازتاب و استمرار یافته است. بر اساس این فرضیه از منظری برون‌دینی، این گزاره‌های نکوهش‌گرایانه از الحاقات متأخر در عصر تدوین نهج‌البلاغه تلقی شده و بر این مبنا با تأکید بر روش هم‌سنجی بینامتنی (ارزیابی متون مشابه) و با رویکرد تاریخ فرهنگی جدید، زیر شاخه تاریخ ذهنیت، تلاش شده است، شواهد، زمینه‌ها و نیز ذهنیت‌های فرهنگی درباره زنان، در نهج‌البلاغه و شروح آن و متون متنوع ادبی و تاریخی تا سده هفتم بررسی و تحلیل شود و شباهت‌ها و افق‌های هم‌تراز این متون با این گزاره‌های نهج‌البلاغه نمایان گردد.

**کلیدواژه‌ها:** نهج‌البلاغه، زنان، زن‌ستیزی، تاریخ ذهنیت.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۵

۲. رایانامه (مسئول مکاتبات): n\_zeilabi@sbu.ac.ir

۳. رایانامه: m\_mohases@sbu.ac.ir

### مقدمه

گزاره‌های ملامت‌گرانه درباره زن در نهج‌البلاغه از مسائل پیچیده‌ای است که هم‌چنان محل مناقشه و بحث بسیار است و در میان گروه‌های مختلف شیعیان از سویی و نیز از سوی منتقدین سنت شیعی پرسش‌ها و انتقادات بسیاری برانگیخته است: از جمله این‌که چگونه ممکن است امام معصوم، چنین دیدگاه‌های تند و انتقادی نسبت به زن ابراز کرده و صفاتی چون کم‌خردی و شرارت را به کل زنان تعمیم داده باشد؟ و چگونه می‌توان در عصر جدید و در کنار دیدگاه‌های مدافع حقوق زنان چنین نسبت‌هایی را پذیرفت؟ و نیز چگونه می‌توان این دیدگاه‌های مطرح شده در نهج‌البلاغه را در کنار تلقی غیر جنسیتی اسلام و آیات انسان‌محور قرآن، بدون تعارض فهمید؟

پژوهش حاضر فارغ از مبناهای درون‌دینی، بر اساس رویکرد تاریخ فرهنگی و روش نقد متون مشابه (هم‌سنجی بینامتنی) و با تأکید بر کشف ذهنیت‌های تاریخی عصر تدوین نهج‌البلاغه، مسأله را از منظر دیگری بررسی کرده و امیدوار است گره‌گشای برخی غوامض تاریخی در این‌باره باشد و دست‌کم نشان دهد که چگونه بسیاری از مضمون‌های به کار رفته در نهج‌البلاغه، در بسیاری از متون متنوع ادبی و تاریخی نویسندگان نامدار مسلمان تکرار شده است.

### تبیین مسأله و فرضیه‌ها

پژوهش‌هایی که تاکنون درباره این موضوع انجام شده عمدتاً از منظری درون‌دینی است و به نتایجی از جمله عدم اعتبار روایات نکوهش‌گرایانه درباره زنان و یا توجیه و تفسیر متکلفانه این دست روایات منتهی شده و بسیاری از اینان نیز گفته‌اند این روایات و نظرات بدبینانه امام(ع) نسبت به زنان در قبال اعمال عایشه، همسر پیامبر، به‌ویژه پس از جنگ جمل بوده است.

در این پژوهش از منظر برون‌دینی، فارغ از تعلقات مذهبی، متن نهج‌البلاغه و دیدگاه‌های مربوط به زنان در این متن، صرفاً به مثابه متنی تدوین شده در سده چهارم، بر اساس رویکرد تاریخ فرهنگی و با روش نقد متون مشابه (هم‌سنجی بینامتنی)، بررسی شده و دو نتیجه عمده حاصل شده است: نخست این‌که اسناد این روایات و گزاره‌های مربوط به زنان در نهج‌البلاغه نامعتبر، لرزان و غیر قطعی است،<sup>۴</sup> دیگر این‌که در این پژوهش با عرضه ذهنیت‌های فرهنگی رایج در سده‌های سوم تا هفتم<sup>۵</sup> در متون اسلامی، نشان داده شده است که مضمون ملامت‌گرانه در این‌باره، تشبیه‌ها و حتی گاه کلمات و عبارات مندرج در نهج‌البلاغه، در دیگر متون متنوع ادبی و تاریخی پیرامون نهج‌البلاغه در سراسر جهان اسلام، قابل ردیابی است.

این ذهنیت فرهنگی رایج که عمدتاً حاکی از تخفیف و تحقیر زنان است و به پرده‌نشینی و ناکارآمدی اجتماعی آنها منتهی شده، در پیدایش و تداوم این گزاره‌های نکوهش‌گرانه تأثیرگذار بوده است؛ در حالی‌که رگه‌هایی از جریان فکری مبتنی بر تکریم زنان و نگاه غیرجنسیتی به انسان در مباحثی چون ایمان و تقوا، در اندیشه توحیدی اسلام و آیات قرآن مطرح شده، اما این نگاه در میان عموم جامعه مقبول و محل توجه نبوده است، در حقیقت روایات مربوط به زنان در متن گردآوری شده نهج‌البلاغه در سده چهارم، با توجه به ذهنیت‌های رایج درباره زنان در سده چهارم و پس از آن، متنی کاملاً سازگار و هم‌خوان با

۴. فتاحی زاده، رسولی و حاتمی؛ 325-365. Amia.

۵. سده هفتم پایان این گفتمان ملامت‌گرانه درباره زنان نیست. مضمون‌های مشابه در نکوهش زنان تا سده‌های بعد تا قبل از پدیدار شدن ارزش‌های مدرن در شرق و غرب جهان متداول بوده است و هم‌چنان هم در جوامع سنتی دیده می‌شود. حتی خواص و فیلسوفان هم از غلبه پارادیمی این اندیشه مستثنی نبوده‌اند. مثال قابل توجه اندیشه‌های ملاصدرا در بخشی از الحکمه المتعالیه (۱۳۷/۷) است که زنان را در عداد حیواناتی که برای انتفاع مردان آفریده شده قرار داده و در پی او ملاحادی سبزواری در تعلیقه بر اسفار، به روشنی این ذهنیت را در همان منظومه فکری تفصیل داده است؛ با این حال در این نوشتار برای محدود کردن دامنه پژوهش، تنها برشی از این سیر طولانی که به عصر تدوین نهج‌البلاغه نزدیک‌تر باشد، انتخاب شده است.

مقتضیات عصر است. افزون بر این، پس از ورود و عمومیت یافتن آراء یونانی در جهان اسلام و دیدگاه‌های فیلسوفانی چون ارسطو و افلاطون که قائل به نقص طبیعی و ذاتی زن بوده‌اند، این دیدگاه‌ها نه تنها تداوم یافت که با عاملی برون‌فرهنگی هم تأیید و تقویت شد. بر این اساس نقش آراء یونانی، تنها نقشی تأییدکننده در استمرار سنتی کهن بوده که در فرهنگ سده‌های متمادی پیش از آن ریشه داشته است. بر اساس این فرضیه، نهج‌البلاغه به عنوان متنی گردآوری‌شده در سده چهارم، در بخش ناظر به دیدگاه‌های ملامت‌گرایانه نسبت به زنان، بازتاب‌دهنده ذهنیات رایج زمینه و زمانه خود درباره زنان و نحوه کنش‌گری آنها است و این فقرات از متن نهج‌البلاغه بیش از آن‌که با متن قرآن قابل قیاس باشد، به متون متنوع ادبی و تاریخی سده چهارم به بعد شباهت دارد. بنابراین بسیار محتمل است که بخش‌هایی از نهج‌البلاغه (در اینجا، گزاره‌های ملامت‌گرانه درباره زنان) از جمله الحاقات سده چهارم و پس از آن بوده باشد، دیدگاه‌هایی که در این سده‌ها پذیرفته و معمول بوده و جزو یکی از پارادایم‌های رایج زمانه تلقی می‌شده است.

### پیشینه پژوهش

درباره موضوع جایگاه زن در نهج‌البلاغه مقالات بسیاری نوشته شده است. این آثار عمدتاً از منظری درون‌دینی غالباً در صدد توجیه و تفسیر فحوای روایات برآمده‌اند و بیشتر این هدف را دنبال کرده‌اند که در روزگار امروزی، با توجه به اقتضانات معاصر بتوان تفسیری سازگار با ارزش‌های جدید اجتماعی به دست داد. انبوهی از این نوشته‌ها با روشی اقتناعی یا ژورنالیستی، با گزینش معدودی از روایات تلاش کرده‌اند، به نحوی تناقض‌ها و شبهات مختلفی را که در این باره پدید آمده پاسخ گویند. برخی از این آثار بر نقد اسناد این روایات متمرکز شده، برخی بر محتوا و برخی از مقالات به هر دو جنبه پرداخته‌اند. مقاله «تأملی در روایات نهج‌البلاغه در نکوهش زن» نوشته فتحیه فتاحی‌زاده، محمد رضا رسولی و الهه

حاتمی‌راد<sup>۶</sup> بررسی سندشناسانه قابل توجهی است که احتمال عدم صحت اسنادی برخی از این روایات را مطرح کرده است. آمنه اینلوز هم در مقاله‌ای به زبان انگلیسی ذیل عنوان «آیا امام علی (ع) زن ستیز بود؟»<sup>۷</sup> به تفصیل به این بحث پرداخته و ضمن رد انتساب این روایات به امام (ع)، این ادعا را مطرح کرده است که پس از ماجرای نهضت ترجمه و ورود آراء یونانی به جهان اسلام، این افکار زن‌ستیزانه یونانی وارد جهان اسلام شده و به بزرگان دین هم نسبت داده‌اند. اینلوز در این مقاله درباره چگونگی این فرایند و یا متونی که این اندیشه‌ها را ترویج کرده‌اند و نحوه راه‌یافتن آن به مجموعه روایاتی که سیدرضی تحت عنوان نهج‌البلاغه گردآورد اشاره نکرده است. در پایان مقاله، اینلوز با این پیش‌فرض که کتاب سلیم بن قیس هلالی از قدیم‌ترین متون شیعی سده اول است<sup>۸</sup> و بر زندگی سیاسی و حوادث صدر اسلام درباره جانشینی علی (ع) متمرکز است، استدلال کرده که اگر روایات نکوهش‌گرانه درباره زنان در نهج‌البلاغه صحت دارد، چرا نظیر این روایات در کتاب سلیم نیست؟ و با طرح این پرسش نتیجه گرفته است که روایات مربوط به زن در نهج‌البلاغه اصالت ندارد.

صرف‌نظر از این آثار، در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای حل مسأله بر اساس روش‌هایی مثل هرمنوتیک و فهم کانتکتست متن انجام شده که صرف‌نظر از توفیق یا عدم توفیق نویسندگان، به نحوی پیشینه این اثر تلقی می‌شوند.<sup>۹</sup> از جمله حسن سلیمی در

۶. فتاحی زاده، رسولی و حاتمی راد.

#### 7. Amina Inloes, 325-365.

۸. این پیش‌فرض بر اساس سیاق متن در کتاب سلیم محل مناقشه بسیار است.

۹. برای نمونه نک. محمدرضا آرام و دیگران، ۳۰. در این مقاله نویسندگان ایده اصلی کار خود را بر کاربست روش هرمنوتیکی در تحلیل نهج‌البلاغه استوار ساخته‌اند. از منظر محققان این مقاله، تاریخ و جغرافیای سخن، نقش بسیار مهمی در بیان سخن دارد و شناخت آنها در فهم سخن بسیار مؤثر است و هر سخنی (جز سخن خداوند) تحت تأثیر فرهنگ و شرایط تاریخی و اجتماعی و سیاسی است؛ لذا امام علی (ع) نیز از این امر مستثنا نیست. هرچند این مقاله

مقاله‌ای تحت عنوان «ارزش و حقوق زنان از دیدگاه علی(ع)»،<sup>۱۰</sup> با مفروض گرفتن این‌که این جملات مندرج در نهج‌البلاغه از علی بن ابی‌طالب(ع) است، بر این باور است که برداشت‌های سنتی از کلام امام(ع) درست نبوده و این تفاسیر بیشتر برداشت‌های نادرستی از کلام امام(ع) در آن ادوار تاریخی است. این مقاله با این‌که به اهمیت تفاسیر و نحوه برداشت‌ها و ذهنیت‌های تاریخی اشاره کرده، اما نتوانسته شواهد کافی برای ادعای خود ارائه دهد.

### روش و چارچوب نظری

پاراادیم نظری این پژوهش، «تاریخ فرهنگی جدید»<sup>۱۱</sup> و در ذیل آن «تاریخ ذهنیت» است و بررسی روایات بر اساس روش هم‌سنجی بینامتنی استوار گشته است. بر اساس آراء انسان‌شناس آمریکایی کلیفورد گیرتز<sup>۱۲</sup> بسیاری از افکار، رفتارها و عادات روزانه مردم هر جامعه نمایشگر لایه‌های درونی فرهنگ آنهاست و با تحلیل موشکافانه این ابعاد می‌توان مختصات فرهنگی هر عصر را تبیین کرد. در اواخر سده بیستم تاریخ فرهنگی وارد مرحله جدیدی شد که به تاریخ فرهنگی جدید موسوم گشت. توجه به موضوعات کمتر دیده شده و نامانوس‌تری مثل ذهنیت‌ها و احساسات و عواطف درونی افراد جامعه و استفاده از آن برای تحلیل پدیده‌ها و رویدادهای تاریخی از دیگر ویژگی‌های تاریخ فرهنگی جدید است. مورخ فرهنگی در پی کشف لایه‌های درونی و معنای مستتر در پدیده‌ها و ذهنیت‌های کنشگران تاریخی است. اعتنا به همه قشرهای اجتماعی، تفسیر کارکردها به معنای توجه به کارکرد هر پدیده برای پی بردن به قواعد و باورهای نهفته در آنها،

---

بیشتر در حد طرح مسأله باقی مانده و بیشتر تأکید بر روش هرمنوتیکی و کیفیت نظریه‌شلایر مآخر است و به متن نهج‌البلاغه و چالش‌های پیرامون آن که با استفاده از این روش می‌توانست به خوانشی نو منتهی شود، نپرداخته است. ۱۰. سلیمی، ۷۵-۹۲.

۱۱. برای توضیح بیشتر در این باره نک. قیومی بیدهندی و نازنین شهیدی، ۸۷-۱۰۷.

پرهیز از کلی‌گویی و تعمیم، کثرت و تنوع اسناد از جمله مختصات این رویکرد نظری است. از میان این مختصات مختلف، توجه به ذهنیت کنشگران تاریخی، بیش از همه مورد توجه مورخان فرهنگی قرار گرفته و مجموعه پژوهش‌هایی ذیل تاریخ ذهنیت در سال‌های اخیر شکل گرفته است. در پژوهش‌های تاریخ ذهنیت، به‌ویژه در پژوهش‌های متن‌محور، روش هم‌سنجی بینامتنی، پس از اندیشه‌هایی که ژولیا کریستوا<sup>۱۳</sup> مطرح کرد، روشی کارگشاست که بسیار مورد توجه قرار گرفته است؛ به این معنا که هیچ متنی جزیره‌ای جدا از دیگر متون نیست و هیچ متنی را بدون اتکا به متون دیگر نمی‌توان فهمید؛ بر این اساس اگر ذهنیت غالب بر عصر صدور یک متن را بتوانیم کشف کنیم، به نحوی در مسیر و فرایند فهم درست آن متن قرار گرفته‌ایم؛ زیرا متن نمی‌تواند خارج و فارغ از ذهنیت پارادایمیک (طرح‌واره‌ای) عصر خود پدید آمده باشد. هم‌چنین در این روش، بر این نکته تأکید می‌شود که فهم هر متن حاصل تعامل دو افق ذهنی و برآیند دو نظام معنایی است: نخست افق و نظام معنایی که توسط مؤلف پدید آمده و دیگری افق و نظام معنایی مفسران و مخاطبان متن که تحت تأثیر گفتمان‌ها و پارادایم‌های حاکم در هر دوره تاریخی شکل گرفته<sup>۱۴</sup> و متن مبنای، به سمت و سوی نظام فکری و ذهنیات رایج در آن عصر سوق یافته است.

### پرسش از اعتبار اسناد نهج‌البلاغه

بسیاری از پژوهشگران، اسناد نهج‌البلاغه را صحیح دانسته<sup>۱۵</sup> و معتقدند سید رضی پس از حصول اطمینان از صحت اسانید، سلسله اسناد را جز در موارد معدودی حذف کرده است. با این همه درباره نهج‌البلاغه و مباحث اجتماعی، سیاسی و حتی فلسفی آن مجادلات و مناقشات بسیار هست. صرف نظر از دیدگاه‌هایی معارضه‌جویانه، چون آراء ابن خلکان

۱۳. نک. نامور مطلق، ۲۷-۳۰؛ گراهام، صفحات متعدد؛ Kristeva, J., 37.

۱۴. سلیمی، ۷۶.

۱۵. حنفی، ۳۲۱-۳۲۹.

(م. ۶۸۱) ۱۶، ذهبی ۱۷، صفدی ۱۸، از متقدمین و کسانی چون شوقی ضیف<sup>۱۹</sup> از متأخرین که گاه کل سندیت و اعتبار نهج البلاغه را مورد تشکیک قرار داده‌اند، دیدگاه‌هایی منصفانه‌تر به‌ویژه در فضای پژوهش‌های علمی سال‌های اخیر مطرح شده است؛ برای مثال عمر فروخ<sup>۲۰</sup> با اذعان بر صحت انتساب اغلب خطبه‌های نهج البلاغه به امام علی (ع)، معتقد است که برخی نکات و جملات الحاقی به خطبه‌ها راه یافته است؛ از جمله فقراتی از نظرات فلسفی اسکندرانی که اعراب تا سده اول از آنها بی‌خبر بودند، یا برخی نظرات معتزلی متأخر مانند مباحث مربوط به طبیعیات و الهیات در نهج البلاغه راه یافته است. سعید شفیعی<sup>۲۱</sup> نیز در تأیید نظریه فروخ، با احتیاط، تعابیری چون وجود و عدم را از مباحث فلسفی متأخر راه‌یافته در نهج البلاغه دانسته است. در میان علمای شیعه که طبعاً نگاهی درون‌دینی به نهج البلاغه دارند نیز برخی به طور ضمنی عدم قطعیت انتساب برخی خطبه‌ها و روایات را منطقی دانسته‌اند.<sup>۲۲</sup> هم‌چنین برخی از پژوهشگران در بررسی سندشناسانه روایات مربوط به زنان در نهج البلاغه، احتمال عدم صحت اسناد برخی از این روایات را مطرح کرده‌اند.<sup>۲۳</sup> به بیان دیگر این اندیشه که کلیت نهج البلاغه نوشته و بر ساخته سید رضی باشد، با توجه به ذکر قسمت‌های عمده‌ای از نهج البلاغه در منابع دیگر و نیز با توجه به سبک متمایز نثر سید رضی در آثار بازمانده از وی، اندیشه‌ای مردود است؛ اما درباره فقراتی از نهج البلاغه تردیدهایی مطرح است. برخی از پژوهشگران معتقدند در اواخر سده سوم

۱۶. ابن خلکان، ۳/۳۱۳.

۱۷. ذهبی، ۳/۱۲۴.

۱۸. صفدی، ۲۰/۲۳۱.

۱۹. شوقی ضیف، ۶۲.

۲۰. عمر فروخ، ۱۸۷-۱۸۸.

۲۱. شفیعی، سعید، ۲۶۹.

۲۲. جعفری، ۱۱/۲۸۷-۳۰۲.

۲۳. فتاحی زاده، رسولی و حاتمی راد، ۴۱.



چهارصد خطابه به امام علی نسبت داده شده، در حالی که نیم قرن بعد این عدد به چهارصد و هشتاد خطبه رسیده است.<sup>۲۴</sup> بر این اساس ضمن پذیرفتن اعتبار کلیت اثر، درباره هر گزاره آن می‌توان بررسی سندشناسانه یا متن‌شناسانه جداگانه‌ای انجام داد.

### گزاره‌های نهج‌البلاغه درباره زنان

مهم‌ترین گزاره‌های متن نهج‌البلاغه درباره زنان، مضمون‌هایی چون نقص عقل و ایمان زنان، شرارت طبع آنها و منع مردان از مشاوره گرفتن از زنان و پیروی از آنهاست. برای امکان مقایسه این مضامین با دیگر متون، لازم است این شواهد به دقت بررسی شود:

مهم‌ترین این شواهد اعم از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار، شامل گزاره‌های ذیل است: *مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ النَّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ نَوَاقِصُ الْحُظُوظِ نَوَاقِصُ الْعُقُولِ فَأَمَّا نَقْصَانُ إِيْمَانِهِنَّ فَتَعْوُدُهُنَّ عَنِ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهِنَّ وَ أَمَّا نَقْصَانُ عُقُولِهِنَّ فَشَهَادَةُ امْرَأَتَيْنِ كَشَهَادَةِ الرَّجُلِ الْوَاحِدِ وَ أَمَّا نَقْصَانُ حُظُوظِهِنَّ فَمَوَارِيثُهُنَّ عَلَى الْأَنْصَافِ مِنْ مَوَارِيثِ الرَّجَالِ فَاتَّقُوا شِرَارَ النَّسَاءِ وَ كُونُوا مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلَى حَذَرٍ وَ لَا تُطِيعُوهُنَّ فِي الْمَعْرُوفِ حَتَّى لَا يَطْمَعَنَّ فِي الْمُنْكَرِ:*<sup>۲۵</sup> «ای مردم، بدانید که زنان را ایمان ناقص است و بهره‌مندی‌هایشان ناقص است و عقل‌هایشان ناقص است. اما ناقص بودن ایمانشان از آن روست که در ایام حیض از خواندن نماز و گرفتن روزه معذورند و ناقص بودن عقل‌هایشان، بدان دلیل است که شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است و نقصان بهره‌مندی‌هایشان در این است که میراث زنان نصف میراث مردان است. از زنان بد بپرهیزید و از زنان خوب حذر کنید و کار نیک را به خاطر اطاعت از آنان انجام مدهید، تا به کارهای زشت طمع نکنند».<sup>۲۶</sup>

24. Inloes, 328.

۲۵. صبحی صالح، خطبه ۸۰، ۱۰۵-۱۰۶.

۲۶. ترجمه نهج‌البلاغه، آیتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸.

إِنَّ الْبَهَائِمَ هَمُّهَا بَطُونُهَا وَإِنَّ السَّبَاعَ هَمُّهَا الْعُدْوَانُ عَلَىٰ غَيْرِهَا وَإِنَّ النِّسَاءَ هَمُّهُنَّ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْفَسَادُ فِيهَا: <sup>۲۷</sup> «درندگان، همه همشان تجاوز و حمله به دیگران است و زنان همه همشان آرایش این جهان و فساد کردن در آن است».

وَإِيَّاكَ وَ مُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَىٰ أَفْنٍ وَ عَزْمَهُنَّ إِلَىٰ وَهْنٍ وَ اكْتُفَ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكِ إِيَّاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَىٰ عَلَيْهِنَّ وَ لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِدْخَالِكَ مَنْ لَا يُوثِقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ وَ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَلَّا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ فَافْعَلْ وَ لَا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةَ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ وَ لَا تُعَدُّ بِكَرَامَتِهَا نَفْسَهَا وَ لَا تُطْمَعُهَا فِي أَنْ تَشْفَعَ لغيرِهَا وَ إِيَّاكَ وَ التَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرَةٍ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقَمِ وَ الْبَرِيئَةَ إِلَى الرِّيبِ: <sup>۲۸</sup> «از مشاوره با زنان بپرهیز، زیرا ایشان را رأی سست و عزمی ناتوان است. زنان را روی پوشیده‌دار تا چشمشان به مردان نیفتد؛ زیرا حجاب زنان را بیش از هر چیز از گزند نگه دارد. خارج شدنشان از خانه بدتر نیست از این که کسی را که به او اطمینان نداری به خانه در آوری. اگر توانی کاری کنی که جز تو را نشناسد چنان کن و کاری را که برون از توان اوست، به او مسپار، زیرا زن چون گل ظریف است، نه پهلوان خشن. گرامی داشتنش را از حد مگذران، او را به طمع مینداز، چندان که دیگری را شفاعت کند. زنهار از رشک بردن و غیرت نمودن نابجا، زیرا سبب می‌شود که زن درستکار به نادرستی افتد و زنی را که به عفت آراسته است به تردید کشاند».

فَإِنْ أَطَعْتُمُونِي فَإِنِّي حَامِلُكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ سَبِيلِ الْجَنَّةِ وَ إِنْ كَانَ ذَا مَشَقَّةٍ شَدِيدَةٍ وَ مَذَاقَةٍ مَرِيْرَةٍ وَ أَمَّا فَلَانَةٌ فَأَذْرِكْهَا رَأْيِي النِّسَاءِ وَ ضِعْفُ غَلَا فِي صَدْرِهَا كَمَرْجَلِ الْقَيْنِ: <sup>۲۹</sup> «اگر از من فرمان ببرید \_ اگر خدا خواهد \_ شما را به راه بهشت می‌برم، هر چند راه سخت و با

۲۷. صبحی صالح، خطبه ۱۵۳، ص ۲۱۵.

۲۸. صبحی صالح، نامه ۳۱، ص ۴۰۵.

۲۹. خطبه ۱۵۶، ص ۲۱۴-۲۱۵.

تلخکامی آمیخته باشد؛ و اما بر فلان زن، اندیشه زنان غلبه یافت و کینه در سینه او جوشیدن گرفت، هم چون بوته آهنگران که در آن فلز گدازند».

كُنْتُمْ جُنْدَ الْمَرْأَةِ وَ اتَّبَاعَ الْبَيْمَةِ رَعَا فَأَجَبْتُمْ وَ عَقِرَ فَهَرَبْتُمْ أَخْلَافُكُمْ دِقَاقٌ وَ عَهْدُكُمْ شِقَاقٌ وَ دِينُكُمْ نِفَاقٌ وَ مَاؤُكُمْ زُعَاقٌ: ۳۰ «شما سپاهیان آن زن بودید و پیروان آن ستور که چون بانگ کرد اجابتش کردید و چون کشته شد روی به گریز نهادید. خلق و خوبتان همه فرومایگی است. پیمان‌هایتان گسستنی است و دیتان دورویی است و آبتان شور است».

خِيَارٌ خِصَالِ النِّسَاءِ شِرَارٌ خِصَالِ الرِّجَالِ الزُّهُوُ وَ الْجُبْنُ وَ الْبُخْلُ فَإِذَا كَانَتِ الْمَرْأَةُ مَرْهُوَةً لَمْ تَمَكِّنْ مِنْ نَفْسِهَا وَ إِذَا كَانَتْ بِخَيْلَةٍ حَفِظَتْ مَالَهَا وَ مَالَ بَعْلِهَا وَ إِذَا كَانَتْ جَبَانَةً فَرِقَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَعْرِضُ لَهَا: ۳۱ «بهترین خصلت‌های زنان، بدترین خصلت‌های مردان است: غرور، ترس و بخل؛ چون زن به خود نازد، به کس سر فرود نیارد و چون بخیل باشد، مال خود و شویش را نگه دارد و چون ترسو بود، از هر چه بدو روی آورد، هراسان گردد».

وَ قَالَ (عليه السلام) الْمَرْأَةُ سَرٌّ كُلُّهَا وَ سَرٌّ مَا فِيهَا أَنَّهُ لَا بُدَّ مِنْهَا: ۳۲ «زن همه‌اش بدی است و بدترین چیزی که در اوست این است که از او چاره‌ای نیست».

وَ قَالَ (عليه السلام) الْمَرْأَةُ عَقْرَبٌ حُلُوَّةُ اللَّسْبَةِ: ۳۳ «زن کژدمی است که گزیدنش شیرین است».

غَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيمَانٌ وَ غَيْرَةُ الْمَرْأَةِ كُفْرٌ: ۳۴ «غیرت مرد ایمان و غیرت زن کفر است».

۳۰. خطبه ۱۳، ص ۵۵.

۳۱. حکمت ۲۳۴، ص ۵۰۹.

۳۲. حکمت ۲۳۸، ص ۵۱۰.

۳۳. حکمت ۶۱، ص ۴۷۹.

۳۴. حکمت ۱۲۴، ص ۴۹۱؛ علاوه بر موارد بالا، گزاره‌های مرتبط دیگر اینهاست:

وَ قَالَ (عليه السلام) يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَقْرَبُ فِيهِ إِلَّا الْمَاجِلُ وَ لَا يُظَرَفُ فِيهِ إِلَّا الْفَاجِرُ وَ لَا يُصَعَفُ فِيهِ إِلَّا الْمُئْتَصِفُ يَعُدُّونَ الصَّدَقَةَ فِيهِ غُرْمًا وَ صِلَةَ الرَّجْمِ مَنًّا وَ الْعِبَادَةَ اسْتِطَالَةً عَلَى النَّاسِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكُونُ السُّلْطَانُ بِمَشُورَةِ النِّسَاءِ وَ إِمَارَةَ الصَّبِيَّانِ وَ تَدْبِيرَ الْخِصْيَانِ (صباحی صالح، حکمت ۱۰۲، ص ۴۸۵). «بر مردم روزگاری می‌آید که

### بررسی اسناد تاریخی و منابع موازی روایات مربوط به زنان در نهج البلاغه

بسیاری از این روایات مذکور در نهج البلاغه، فاقد اسناد و مدارک معتبر است و در بررسی موردی هر یک این نتیجه حاصل می‌شود که بسیاری از این روایات پس از سید رضی و در منابع مربوط به سده چهارم و پنجم و پس از آن دیده می‌شود. چنان‌که برخی از پژوهشگران در بررسی سندشناسانه این روایات احتمال عدم صحت اسنادی برخی از آنها را مطرح کرده‌اند.<sup>۳۵</sup> علاوه بر نکاتی که در پژوهش‌های پیشین ذکر شده لازم است روایات مذکور به تفکیک در منابع تاریخی موازی هم بررسی و نشان داده شود که این منابع مقدم بر سید رضی (متوفی، ۴۰۶) اند یا پسینی تلقی می‌شوند؟

بخش‌هایی از معروف‌ترین خطبه (خطبه هشتادم) که به نقص عقل و ایمان و بهره‌مندی زنان اشاره کرده در چند منبع دیگر از جمله کافی شیخ کلینی (متوفی، ۳۲۸)، الامالی شیخ صدوق (متوفی، ۳۸۱)، قوت القلوب ابوطالب مکی (متوفی، ۳۸۶)، الاختصاص شیخ مفید (متوفی، ۴۱۳)، و تذکرة الخواص سبط ابن الجوزی (متوفی، ۶۵۴) آمده است. همه منابع جایگزین این روایت مربوط به سده چهارم و پنجم و در یک مورد مربوط به سده هفتم است. سلسله روایات در منابع فوق همگی با انقطاع و با فاصله میان روایان است که از اعتبار روایت کاسته و آن را با شک و تردید بسیار همراه ساخته چنان‌که

مقرّب نبود، مگر سخن چین و خوش طبع؛ به شمار نیاید، مگر تبهکار؛ و مردم منصف را ناتوان خوانند و صدقه را غرامت شمارند و صله رحم را منت نهادن و عبادت را برتری فروختن بر مردم. در این حال، حکومت، با مشورت زنان بود و امارت از آن خُردان و تدبیر کارها به دست خواجگان».

لَا تَهَيِّجُوا النِّسَاءَ بَأَدَىٰ وَ إِن سَتَمَنَّ أَعْرَاضَكُمْ وَ سَبَّيْنَ أُمَّرَاءَكُمْ فَإِنَّهُنَّ ضَعِيفَاتُ الْقُوَىٰ وَ الْأَنْفُسِ وَ الْعُقُولِ إِن كُنَّا لَنُؤْمِرُ بِالْكَفِّ عَنْهُنَّ وَ إِنَّهُنَّ لَمُشْرِكَاتٌ وَ إِن كَانَ الرَّجُلُ لَيَتَنَاوَلُ الْمَرْأَةَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ بِالْفَهْرِ أَوْ الْهَرَاوَةِ فَيَعَيِّرُ بِهَا وَ عَقِبَهُ مِنْ بَعْدِهِ. ۳۴ (صبحی صالح، ص ۳۷۳). «زنان را میازارید و آنان را به خشم میاورید، هرچند، آبروی شما بریزند یا امیرانتان را دشنام دهند. که زنان به جسم ناتوان‌اند و به نفس و عقل ضعیف. حتی در زمانی که زنان مشرک بودند، ما را گفته بودند که از آنان دست باز داریم. در زمان جاهلیت، رسم بر آن بود که اگر مردی با سنگ یا چوبدستی به زنی تعرض می‌کرد او را و فرزندانش را، که پس از او می‌آمدند، عیب می‌کردند و سرزنش می‌نمودند.

۳۵. فتاحی زاده، رسولی، حاتمی راد، ۴۱؛ نیز نک. Inloes, 335.

بسیاری از علما و پژوهشگران بر مرسل بودن آن اتفاق نظر دارند.<sup>۳۶</sup> در صحیح بخاری روایتی با مضمون مشابه به پیامبر اسلام نسبت داده شده که زنان را به سبب نقص در ایمان به جهت معافیت از عبادت در ایام حیض و نقص در عقل به سبب برابری شهادت دوزن با یک مرد و نقص در بهره‌مندی و میزان ارث و نیز به سبب نفرین کردن و ناسپاسی به شوهران در عداد بیشترین ساکنان دوزخ معرفی کرده‌اند. این روایت هم از نظر سلسله روایت و هم از لحاظ محتوا مُسند و معتبر نیست.<sup>۳۷</sup>

درباره حکمت ۲۳۴ که بهترین خصال زنان (غرور و ترس و بخل) بدترین خصال مردان معرفی شده، تنها منبع مقدم بر سید رضی، قوت القلوب<sup>۳۸</sup> ابوطالب مکی است. در سده پنجم، همین مضمون در احیاء العلوم<sup>۳۹</sup> غزالی هم آمده است.

درباره حکمت ۶۱ که زن به عقربی تشبیه شده که نیشش شیرین است، قدیم‌ترین سند نسخه خطی نهج البلاغه نگارش ابن مودب<sup>۴۰</sup> (متوفی، ۴۹۹) و نیز منهج البراعة ابن راوندی<sup>۴۱</sup> (متوفی، ۵۷۳) است که هر دو نسبت به سید رضی (متوفی، ۴۰۶) پسینی تلقی می‌شوند. در منابع قبل از رضی به این روایت اشاره‌ای نشده است حکمت ۱۲۴ درباره این که غیرت زن کفر و غیرت مرد ایمان است، و نیز حکمت ۲۳۸ که زن سراسر شر است، قدیم‌ترین منابع دو نسخه از نهج البلاغه است یکی نگارش به سال ۴۲۱<sup>۴۲</sup> و دیگری ابن مودب<sup>۴۳</sup> (متوفی، ۴۹۹) و نیز منهج البراعة ابن راوندی.<sup>۴۴</sup>

۳۶. نک. همانجاها.

۳۷. بخاری، ۶/۱، ذیل کتاب الحیض.

۳۸. ۵۲۲/۲.

۳۹. ۱۲۷/۴.

۴۰. ۳۱۱، به نقل از دشتی، ۲۷۶.

۴۱. ۲۷۹/۳.

۴۲. ۳۳۷-۳۳۹، به نقل از دشتی همانجا.

۴۳. ۳۲۰، به نقل از دشتی، همانجا.

خطبه سیزدهم که خطاب به اهل بصره در سرزنش آنها درباره شرکت در جنگ جمل است *كُنْتُمْ جُنْدَ الْمَرْأَةِ وَاتِّبَاعَ الْبَيْهِيْمَةِ...* در منابع متقدم هم آمده است: دینوری (متوفی، ۲۸۲) در *الاخبار الطوال*،<sup>۴۵</sup> مسعودی (متوفی، ۳۴۶) در *مروج الذهب*،<sup>۴۶</sup> ابن عبد ربه (متوفی، ۳۲۸) در *عقد الفريد*،<sup>۴۷</sup> واقدی (متوفی، ۲۰۸) در *الجمل*<sup>۴۸</sup> به این روایت اشاره کرده‌اند. این روایت تنها روایتی است که رد پای آن را در منابع متقدم می‌توان یافت. نکته مهم این است که این روایت گزاره‌ای صرفاً تاریخی است درباره عایشه و شتر او، به نام *عسکر*، و نمی‌توان این سخن ملامت‌گرایانه را بر دیگر زنان تعمیم داد.

بر اساس این داده‌ها، ضمن پذیرفتن اعتبار کلیت اثر *نهج البلاغه*، می‌توان درباره هر روایت به تفکیک بحث کرد (چنان‌که در مجموعه حدیثی *بحار الانوار* این کار انجام یافته و احادیث ضعیف از صحیح جدا شده)، با عنایت به این نکته شریف رضی مطالب را از منابع متنوعی جمع‌آوری کرده بوده و همه از لحاظ اعتبار نمی‌توانسته در یک سطح باشند.

### شواهد فرهنگی ذهنیت‌های نکوهش‌گرایانه درباره زنان در متون ادبی و تاریخی تا سده هفتم

این حقیقت را نباید از نظر دور داشت که *نهج البلاغه* تنها متنی نیست که دیدگاه‌های ملامت‌گرانه درباره زنان در آن بازتاب یافته است؛ متون مختلف ادبی و تاریخی نگاشته شده به قلم نویسندگان مسلمان در سراسر جهان اسلام، مشتمل بر ایران، عراق، عربستان، مصر و شام، شمال آفریقا و ... آکنده از نگاهی عمدتاً بدبینانه و نکوهش‌گرایانه درباره زنان است.

۴۴. ۳/۳۴۴؛ دشتی، ۳۵۷.

۴۵. ۱۵۳.

۴۶. ۲/۳۶۸.

۴۷. ۴/۱۷۰.

۴۸. مفید، ۴۰۷، به نقل از *الجمل* واقدی.

این نگاه البته پیش از اسلام نیز در فرهنگ‌های سامی یهودی و به موازات آنها در میان ایده‌ها و اندیشه‌هایی چون مانویت و زروانیسم هم وجود داشته و به هیچ وجه مختص فضای فرهنگی عربی و سپس اسلامی نیست. گزاره مشهور عهد عتیق در کتاب امثال سلیمان که «پشت سر شیر گام بردار، اما پشت سر یک زن هرگز»، در میان یهودیان از شهرتی عام برخوردار است.<sup>۴۹</sup>

از ادیبان مسلمان، جاحظ و آثار متعددش به روشنی بازتاب‌دهنده ذهنیت‌های عربی اسلامی سده سوم درباره زنان است. بر اساس تعابیر وی بیشتر اهل جهنم را زنان و فقیران تشکیل می‌دهند،<sup>۵۰</sup> لغزش‌ها و حماقت‌ها و کم‌خردی‌های زنان بسیار است<sup>۵۱</sup> و صفاتی چون بخل<sup>۵۲</sup> و طمع<sup>۵۳</sup> و شهوت‌های لجام‌گسیخته جنسی<sup>۵۴</sup> در زنان بسی بیشتر از مردان است. زنان ریسمان شیطان‌اند،<sup>۵۵</sup> با این حال زنان و حیوانات دو نعمت بزرگی‌اند که به مردان اعطا شده،<sup>۵۶</sup> هرچند زنان چون درختان در هم روییده‌ای هستند که بیشتر تلخ و فقط برخی قابل خوردن‌اند<sup>۵۷</sup> و در برخی توضیحات هم از تشبیه و کنایه فراتر رفته و زنان و حیواناتی چون گاو و گوزن و پرندگان را هم تراز نشانده است.<sup>۵۸</sup> از نگاه وی زنان به انجام کارهای عبث و بیهوده مثل بازی با پرندگان تمایل دارند<sup>۵۹</sup> و زود به خشم می‌آیند و چون

۴۹. این عبارت در میان اعراب هم ضرب المثلی رایج است: إِمْسٍ وَرَاءَ الْأَسَدِ وَلَا تَمَشِ وَرَاءَ الْمَرَاةِ (ماوردی، ۱۷۱).

۵۰. جاحظ، البخلاء، ۲۰۴.

۵۱. همو، البرصان و العرجان و العميان و الحولان، ۳۵۲، ۵۵۸؛ البیان و التبیین، ۸۱/۳.

۵۲. همو، البخلاء، ۲۱۲-۲۱۳.

۵۳. همو، البخلاء، ۱۴۷؛ الحيوان، ۹۰/۱.

۵۴. همو، البغال، ۹۲، ۹۳.

۵۵. همو، البیان و التبیین، ۳۸/۲.

۵۶. همو، البغال، ۱۰۴.

۵۷. همو، البرصان و العرجان، ۲۶۳؛ البیان و التبیین، ۲۱۶/۳.

۵۸. همو، البیان و التبیین، ۲۳۳/۱، البغال، ۱۰۳، الحيوان، ۷۵/۱؛ البرصان و العرجان، ۲۱۹-۲۲۰.

۵۹. همو، الحيوان، ۸۹/۱.

کودکان زود هم راضی می‌شوند.<sup>۶۰</sup> میل به خرافات و عقاید عجیب و شگفت در میان زنان بسیار است. برای مثال جاحظ ذیل عنوان عقاید زنان درباره خفاش به شماری از عقاید خرافی زنان درباره خفاش اشاره کرده است.<sup>۶۱</sup> هم‌چنین گاه عقاید غیر معقول درباره حیوانات را به زنان و اشباه زنان نسبت داده است.<sup>۶۲</sup> از این رو مردان را از مشورت با زنان و درافتادن در فتنه آنها برحذر داشته<sup>۶۳</sup> و حتی کم‌عقلی و حماقت طبقه معلمان را به سبب معاشرت آنها با زنان و کودکان دانسته است.<sup>۶۴</sup> جاحظ به نقل از عمر بن خطاب، خلیفه دوم، آورده است که به زنان بیش از آن که آری بگویند نه بگویند و با آنها مخالفت کنید.<sup>۶۵</sup> جاحظ جملاتی را هم به امام علی (ع) نسبت داده که عموماً با ذهنیت فوق‌سازگار است. از جمله این که زنان را یاری نرسانید تا به شما متمایل نشوند، به گونه‌ای با زن رفتار کنید که شما را در موضع اقتدار ببیند و نگذارید از ضعف‌ها و شکست‌های شما مطلع شوند و شفاعت کردن آنها در حق دیگران را نپذیرید.<sup>۶۶</sup> از معدود مواردی که جاحظ از لزوم صیانت از زنان و خوش‌رفتاری با آنها یاد کرده، اشاره وی به حدیث خطبة‌الوداع پیامبر است که در آن به نیک‌رفتاری با زنان سفارش‌هایی شده است.<sup>۶۷</sup>

کتاب الاغانی نوشته ابوالفرج اصفهانی (متوفی، ۳۵۶) از مشهورترین متون ادبی است که به مناسبت یکی از موضوع‌های اصلی آن یعنی اشعار و اغانی عربی، به کرات از زنان یاد

۶۰. همان، ۹۰/۱.

۶۱. همان، ۲۵۹/۳.

۶۲. همان، ۱۶۳/۵.

۶۳. جاحظ، البخلاء، ۷۵؛ البیان و التبيين، ۲۰۹/۱، ۴۸/۲، ۵۳؛ الحيوان، ۳۶۱/۴.

۶۴. البیان و التبيين، ۲۰۹/۱.

۶۵. همان، ۱۳۲/۲؛ ۱۰۶/۳.

۶۶. همان، ۳۰۸/۳.

۶۷. همان، ۲۳/۲، ۲۶. «... اتقوا الله في النساء و استوصوا بهن خيرا، فانهن عندكم عوان لا يملكن لانفسهن شيئا، اخذتموهن بأمانة الله و استحللتم فروجهن بكلمة الله...».



شده است. با این‌که شاید الاغانی از محدود آثاری باشد که در مواضع متعدد از زنان شاعر و فصیح و آوازخوان به نیکی یاد کرده،<sup>۶۸</sup> اما او هم از ضعف عقل و رقت قلب زنان به عنوان کاستی‌های زنان یاد کرده است. در الاغانی این نکته بارز است که در میان مردمان سده چهارم، معمولاً ویژگی‌های جسمانی زنان، معیار توصیف آنها بوده است.<sup>۶۹</sup> هم‌چنین زنان در کنار مساکین، جزو طبقات ضعیف و قابل ترحم به حساب می‌آمده‌اند.<sup>۷۰</sup> و شاید همین نگاه حاشیه‌ای و جنسی به زن سبب می‌شده تا برخی مردان به اختیار زنان پرشمار از آزاد و کنیز روی آورند چنان‌که در الاغانی به مردانی که بیش از ۸۹، ۹۳ و ... زن داشته‌اند، اشاره شده است.<sup>۷۱</sup> ابوالفرج اصفهانی نیز به نقل از حکما به مردان توصیه می‌کند که در «خصومت‌های زنانه» وارد نشوند<sup>۷۲</sup> و زن را شیطان، گیاه تلخ و گرفتاری بزرگی که خلاصی از آن ممکن نیست، توصیف کرده است.<sup>۷۳</sup> موضوع تبعیت مردم بصره از عایشه در الاغانی هم بازتاب یافته و بر اساس گزارشی چنین فهمیده می‌شود که نه تنها در میان شیعیان بلکه بعدها در میان مخالفان سیاسی خاندان زبیر هم، پیروی از عایشه در جنگ جمل، همواره به عنوان یکی از مطاعن ذکر می‌شده<sup>۷۴</sup> و پیروی از زنان را ننگ می‌شمرده‌اند؛ چنان‌که از مجموعه روایت‌های این اثر پیداست، ذهنیت عمومی درباره زنان همان ذهنیت رایج نکوهش‌گرانه است.

۶۸. برای مثال نک. ابوالفرج اصفهانی، ۲۹۳/۱؛ ۱۴۰/۲؛ ۳۸۳؛ ۳۸۰/۸؛ ۴۵۶؛ ۱۴۳/۹؛ ۱۳۷/۱۱؛ ۳۶۸/۱۲؛

۳۷۹؛ ۲۶۶/۲۰؛ ۴۹۶/۱۶؛ ۳۹۵

۴۱۰-۴۰۹/۲. ۶۹

۵۲۵/۶. ۷۰

۳۲۶/۱۶. ۷۱

۳۱/۱۳. ۷۲

۴۲۳، ۳۲۸/۱۶. ۷۳

۲۳/۱۵. ۷۴

ماوردی (متوفی، ۴۵۰) در ادب الدنيا و الدین<sup>۷۵</sup> حکایت جالبی آورده است که فضای فرهنگی اعراب صدر اسلام و پس از آن ذهنیت عصر خود را به خوبی نشان می‌دهد؛ خلیفه دوم شنید که زنی در اوصاف زنان شعری می‌خواند که: «إِنَّ النِّسَاءَ رِيَّاحِينَ خُلِقْنَ لَكُمْ وَ كَلُّكُمْ يَشْتَهِي سَمَّ الرِّيَّاحِينَ»<sup>۷۶</sup> عمر پاسخ داد: «إِنَّ النِّسَاءَ شَيَاطِينَ خُلِقْنَ لَنَا، نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ».<sup>۷۷</sup> این دیدگاه ریشه در باوری بین‌النهرینی-یهودی دارد که داستان خلقت را از آفرینش آدم و لیلیث<sup>۷۸</sup> آغاز می‌کند. طبق این افسانه لیلیث زن اول آدم زنی دیوسیرت بود که هم‌دست شیطان شد و غرور پیشه کرد و نخواست که مطیع آدم باشد و چون پاره‌ای آتش از دست او گریخت.<sup>۷۹</sup> روایت پسینی داستان خلقت و آفرینش آدم و حوا هم در بسیاری از تفاسیر مبتنی بر اغواگری حوا در خوردن میوه ممنوعه و رانده شدن از بهشت است. به نظر می‌رسد این روایات مختلف که ریشه در اسطوره‌هایی کهن داشته حتی بیش از قصص قرآن در میان اعراب مسلمان شهرت و رواج اثر داشته است چنان‌که در برخی کتب متقدم امثال عرب<sup>۸۰</sup> نیز زنان ریسمان شیطان<sup>۸۱</sup> خوانده شده‌اند.

فضای فکری و فرهنگی عراق به‌ویژه بغداد و بصره در سده‌های چهارم و پنجم در کتاب ادب الدنيا و الدین ماوردی به خوبی بازتاب یافته است. در این فضای فرهنگی زنان گروه‌های پرده‌نشین معرفی شده‌اند که نقل و «میوه محافلشان بدگویی درباره دیگران» است (الغیبة فاکهة النساء)<sup>۸۲</sup> و فقط با هدف فرزندآوری باید به آنها نزدیک شد و نمی‌توان از آنها

۷۵. ماوردی، ۱۷۱.

۷۶. زنان گیاهان خوشبویی هستند که برای شما آفریده شده‌اند و همه شما به این بوهای خوش تمایل دارید.

۷۷. زنان شیاطینی هستند که برای ما آفریده شده‌اند و پناه می‌بریم به خدا از شر این شیاطین.

78. Lilith

79. Scholem, 17-19.

۸۰. برای مثال نک. زید بن رفاعی هاشمی، الامثال، ۱۴۲۳.

۸۱. النساء حباتل الشيطان.

۸۲. ۲۷۵.

انتظار کارهای مهم و بزرگ داشت.<sup>۸۳</sup> نکته قابل تأمل این است که دو جمله مشهوری که در نهج البلاغه آمده «الْمَرْأَةُ رَيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»؛<sup>۸۴</sup> «إِيَّاكَ وَ مُشَاوِرَةَ النِّسَاءِ فَان رَايِهِنَّ اِلَى الْاَفْنِ وَ عَزْمُهُنَّ اِلَى الْوَهْنِ»<sup>۸۵</sup> در اینجا هم به نقل از «برخی از حکما» تکرار شده، ولی از امام علی (ع) یاد نشده است.

از متون سده پنجم در تاریخ بغداد خطیب بغدادی (متوفی، ۴۶۳) نیز همین ذهنیت‌های ملامت‌گرانه درباره زنان به وفور هست: علاوه بر نقل قول‌هایی از پیامبر (ص)، از جمله این که کمترین ساکنان بهشت را زنان تشکیل می‌دهند<sup>۸۶</sup> و این که فتنه‌ای ویرانگرتر از زنان برای مردان نیست،<sup>۸۷</sup> از بزرگان و ادیبان هم شواهدی آورده که همگی تکرار مضامینی نکوهش‌گرانه درباره زنان است، مانند این که زنان ترسناک‌ترین موجودات<sup>۸۸</sup> یا زنجیری‌اند که خلاصی از آن ممکن نیست،<sup>۸۹</sup> و در کنار مرگ و نیازمندی، زنان بزرگ‌ترین موجبات غم و اندوه هستند.<sup>۹۰</sup>

نمونه دیگر ابومنصور ثعالبی است که در الاعجاز و الایجاز سخنانی از بزرگان و حکما درباره زنان آورده است که مانند دیگر متون سده‌های میانه، بازتاب‌دهنده ذهنیات رایج زمانه است. او از زبان اسکندر مقدونی به جواز اختیار کردن زنان متعدد برای فرزندآوری بیشتر اشاره کرده و نیز این حکمت را به او منتسب کرده که برای مردی که بر مردان چیره

۸۳. ۱۷۴.

۸۴. ۱۷۴؛ ابن ابی الحدید (۱۰۷/۶) هم عبارت «انما المرأة ریحانه و لیست بقهرمانه» را به دیگر مشاهیر عرب هم نسبت داده است.

۸۵. ۳۱۰.

۸۶. خطیب بغدادی، ۳۶۷/۵، ۴۳۱؛ ۸۸/۹.

۸۷. ۳۲۵/۱۲؛ ۳۰/۲۰؛ نیز نک. ۸۰/۱۴.

۸۸. ۱۴۵/۲.

۸۹. ۳۹۶/۲.

۹۰. ۱۲۱/۱۲.

می‌شود شایسته نیست که مغلوب زنان گردد.<sup>۹۱</sup> ثعالبی قصد داشته سخنان مشاهیر جهان درباره زنان را در این فقره از کتابش گرد آورد اما جالب است که در کنار این نقل قول‌های متعدد به اقوال منسوب به امام علی (ع) اشاره‌ای نکرده است.

نوع ادبی امثال عرب و کتب الاوائل از جمله امثال العرب مفضل ضبی (متوفی، ۱۶۸)، الامثال زید بن رفاعی (متوفی، ۳۷۳) و الاوائل ابوهلال عسکری (متوفی، ۲۹۵) هم آکنده از ضرب‌المثل‌ها و عبارات تحقیر آمیز و نکوهش‌گرانه درباره زنان است. گریه زنانه از سر حيله و مکر و نیز دستیاری شیطان و نقصان عقل از پربسامدترین این مضمون‌هاست.<sup>۹۲</sup>

این مضمون‌ها در متون مختلف به کرات اشاره شده است و نزد دانشوران مسلمان عمومیت دارد؛ حتی مورخی چون مسکویه رازی که به روایت‌های عقل‌مدار و روشی معتدل در نگرش‌های تاریخی شهرت یافته، از این ذهنیت فراگیر مستثنی نیست، چنان‌که بارها نکوهیدن مشورت با زنان در گزارش‌هایش بازتاب یافته است.<sup>۹۳</sup> حتی گاه برخی از جملات منسوب به امام علی (ع) در متون دیگر به دیگر مشاهیر مسلمان منسوب شده است. از جمله موضوع شرارت زنان (المرأة شرُّ کلها..). را ثعالبی به مامون نسبت داده است.<sup>۹۴</sup> نیز مضمون منع مشورت با زنان و جمله مشهور «ایاک و مشاوره النساء فان رایهن الی افن...» را بلاذری<sup>۹۵</sup> به اکثم نامی از مشاهیر عرب نسبت داده است.

۹۱. ابومنصور ثعالبی، ۵۵.

۹۲. برای مثال، مفضل ضبی، امثال العرب، ۱۴۵، ۱۴۹؛ زید بن رفاعی هاشمی، ۳۱، ۸۷، ۱۹۰؛ عسکری، ابوهلال،

۷۱، ۳۹۹؛ نیز نک. صولی، ۱۵۷/۲.

۹۳. مسکویه رازی، ۴۰۷/۳؛ ۶۷/۴؛ ۲۷۳؛ ۴۵۵/۶.

۹۴. الاعجاز، ۸۵.

۹۵. بلاذری، انساب الاشراف، ۷۶/۱۳.

چنان‌که پیداست در بیشتر این متون نگاه ملامت‌گرانه درباره زنان غلبه دارد.<sup>۹۶</sup> هر چند از معدود زنان شاخصی چون سکینه، بنت حسین بن علی علیه السلام، یا برخی از دختران و زنان خلفای عباسی که به زهد یا فضل و علم شهره بوده‌اند هم در این منابع یاد شده است.<sup>۹۷</sup>

### دیدگاه‌های شارحان نهج البلاغه درباره زنان

ذهنیت ابن ابی‌الحدید (متوفی، ۶۵۶) در شرح نهج البلاغه هم خواندنی و بسیار راهگشا و نشان‌دهنده ذهنیات رایج درباره زنان در سده پنجم است. ابن ابی‌الحدید از دیدگاه سقراط درباره زنان مطلع بوده و در تفسیر حکمت ۵۹ نوشته است: «از سقراط پرسیدند، کدام حیوان زیباتر است؟ گفت: زن»<sup>۹۸</sup> و «حکیمی معلمی را دید که به دوشیزه‌ای نوشتن می‌آموزد، گفت بدی بر بدی می‌افزایی».<sup>۹۹</sup> این عبارات به عنوان عبارات حکمت‌آمیز در میان مسلمانان شهرت داشته است. هم‌چنین ابن ابی‌الحدید هم مانند بسیاری دیگر که ذکرشان گذشت، زنان را سلاح شیطان نامیده است.<sup>۱۰۰</sup>

از دیگر شارحان نهج البلاغه، ابن میثم بحرانی (متوفی، ۶۷۹ یا ۶۹۹) است که بررسی دیدگاه وی نیز حاکی از نکات مهمی درباره ذهنیت عموم مسلمانان درباره زنان است. به نوشته ابن میثم «چون گفتار و اندیشه زنان در میان عرب و دیگر خردمندان به دلیل ضعف اندیشه و کمی عقلشان نکوهیده بود، امام علی (ع) مردم بصره را به سبب پیروی از یک زن نکوهش کرده است». ابن میثم در تکمیل بحث به حدیثی از پیامبر درباره نقصان

۹۶. برای موارد مشابه درباره مضمون‌هایی مثل ضعف و حماقت زنان، حيله‌گری و ناسپاسی و ... نک. طبری، ۳۰۸/۸؛ دینوری، ۸۲، ۹۹؛ بلاذری، ۷۴/۱۳، ۳۹۷.

۹۷. برای مثال نک. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ۳۶۳/۱۶؛ ابوبکر صولی، ۵۵/۳.

۹۸. ابن ابی‌الحدید، ۱۶۳/۹.

۹۹. ابن ابی‌الحدید، همانجا، ذیل حکمت ۵۹.

۱۰۰. ترجمه مهدوی دامغانی، ۲۷۸.

عقل زنان نیز اشاره کرده و می‌نویسد: «کسی که با آنها مشورت کند یا بیعت کند از زنان در رأی ضعیف‌تر است؛ زیرا هر پیرو از راهنمای خود در عقل کمتر است و بنابراین توییح مردم بصره به سبب این‌که لشکر و یار زن بوده‌اند، به‌جا و زیباست».<sup>۱۰۱</sup> ابن میثم در توضیح نقص عقل زنان نوشته است: دلیل این نقصان دو چیز است: اول علت درونی و داخلی نقصان عقل زنان به لحاظ سرشت و خلقت آنهاست و دیگر علت بیرونی یعنی معاشرت کم آنها با اندیشمندان و عقلاست. زنان قوای حیوانی خود را با ریاضت، تضعیف نمی‌کنند تا قوانین عقل را در تنظیم کار معاش و معاد به همراه داشته باشند. بدین جهت است که حکم قوای حیوانی در آنها بر حکم قوای عقلانی شان غلبه دارد؛ زنها رقیق القلب، گریان، حسود، لجوج، گناه‌کار، زاری‌کننده، وقیح، دروغ‌گو و مکارترند و بیشتر فریب می‌خورند و بیش‌تر امور جزئی را پی‌گیری می‌کنند. چون زنان دارای صفات فوق هستند حکمت الهی اقتضاء کرده است که برای آنها سرپرست مدبر بگمارد تا امور زندگی آنها را سامان دهد و لذا فرموده است: الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...<sup>۱۰۲</sup> و به دلیل همین مکرپذیری و کم‌خردی و دارا بودن نیروی شهوانی، پوشاندن بدن و حجاب بر آنان واجب شده است.<sup>۱۰۳</sup> به نوشته ابن میثم، «از آنجا که لازمه نقص ایجاد شر است، امام علی (ع) به دوری گزیدن از زنها دعوت کرده است».<sup>۱۰۴</sup> به تعبیر وی «مرد باید در هر حال تسلط خود را بر زن حفظ کند و فاصله لازم را با او نگاهدارد؛ زیرا که اکرام زنان خود نوعی شهوت‌پرستی و دخول در شر است. اکرام زیاد باعث می‌شود که زن جرات پیدا کند و از مرد بخواهد که به گشت و گذار پردازند و زن بخواهد زیور و تجملات خود را به رخ دیگران بکشاند... در این صورت است که

۱۰۱. ابن میثم، ۵۷۸/۱.

۱۰۲. سورة النساء: ۳۴/۴.

۱۰۳. ابن هیثم، ۴۸۲/۲.

۱۰۴. ۴۸۳/۲.

عقل مرد مغلوب شهوت زن می‌شود».<sup>۱۰۵</sup> او در جای دیگری که بحث کم‌عقلی بافندگان (حائک) مطرح است، دیگر بار در شرح مطلب، موضوع نقص عقل زنان را پیش می‌کشد. به نوشته او «از امام جعفر صادق (ع) روایت شده که عقل چهل معلم، برابر عقل یک بافنده است و عقل یک بافنده به اندازه عقل یک زن است و زن هم اصلاً فاقد عقل است».<sup>۱۰۶</sup> همو می‌افزاید: کم‌عقلی بافندگان به سبب معاشرت آنها با افراد کم‌عقلی چون زن‌ها و کودکان است و هر که با این گروه‌ها سر و کار داشته باشد در ضعف رأی و نقص عقلش جای شک نیست<sup>۱۰۷</sup> و مردمی که در کار خود به زن تکیه کنند، پیروز نمی‌شوند.<sup>۱۰۸</sup> درباره ضعف ایمان زنان و نقص عبادات آنها در دوره حیض ماهانه، معتقد است که چون در این دوره زنان ناپاک‌اند، شایسته نیست که با ناپاکی فراروی حضرت سبحان به عبادت ایستند.<sup>۱۰۹</sup> هم‌چنین در توجیه نقص میراث زنان می‌نویسد: زنان واجب‌النفقه‌اند و در حقیقت مثل خدمت‌گزاری برای مردان به حساب می‌آیند.<sup>۱۱۰</sup> همو در جای دیگر طبیعت زن‌ها را آمیخته به مکر و فریب دانسته<sup>۱۱۱</sup> و آنان را مسبب بسیاری از کینه‌ها و دشمنی‌ها در میان مردم می‌داند و در این باره به نقل از برخی حکماء نوشته است: «اگر در دنیا دشمنی و کشمکش یافتی که به سبب زن پدید نیامده باشد، سپاس خداوند را به جای آور که این امری بس شگفت است».<sup>۱۱۲</sup> همو در تفسیر نامه امام علی (ع) به امام حسن (ع) در اطلاق تعبیر «ریحانه» به زنان نوشته است: «از آنجا که زن مورد کامیابی و بهره‌برداری است و برای

.۴۸۳/۲.۱۰۵

.۶۴۳/۱.۱۰۶

.۶۴۳/۱.۱۰۷

.۴۷۱/۳.۱۰۸

.۴۸۱/۲.۱۰۹

.۴۸۱/۲.۱۱۰

.۱۸۵/۲.۱۱۱

.۴۷۲/۳.۱۱۲

حکمرانی و تسلط آفریده نشده است، امام لفظ ریحانه به معنی گیاه خوشبو را به کار برده است ... شأن زن فرمان‌بری است و زن به سبب نقصان غریزی و کاستی فکری، شایستگی تکریم ندارد». <sup>۱۱۳</sup> ابن میثم درباره شر بودن زن معتقد است که شرارت زن هم به سبب هزینه‌ای است که بر مرد تحمیل می‌کند و هم به سبب کام‌بخشی اوست که باعث دوری مرد از خدا و غفلت از بندگی او می‌گردد. به تعبیر وی انگیزه‌های بدی خود بد هستند هر چند که عَرَضی باشند. <sup>۱۱۴</sup>

در دیگر شروح بر نهج البلاغه نیز بیشتر این مضامین تکرار شده است. <sup>۱۱۵</sup>

#### نتیجه

در این پژوهش صرف‌نظر از پیش‌فرض‌های دینی و ارزش‌گذارانه نظیر حرمت و جایگاه زن در اسلام و لزوم مطابقت سخنان علی بن ابی‌طالب (ع) با اصول اسلامی و سنت نبوی، از منظری برون‌دینی و بر اساس روشی متن‌محور، گزاره‌های مربوط به زنان در نهج البلاغه با دیگر متون ادبی و تاریخی مقایسه شده است. با این‌که دیدگاه‌ها و ذهنیت‌های نكوهش‌گرایانه درباره زنان در نگاه عربی و نیز نگاه بین‌النهرینی از سابقه‌ای کهن برخوردار است، اما با بررسی عبارات و مضامین نهج البلاغه و تطبیق آن با مضامین و گزاره‌های دیگر متون ادبی و تاریخی سده چهارم به بعد، شباهت و قرابت بسیاری میان این دیدگاه‌ها مشاهده می‌شود. در حقیقت ذهنیت‌های رایج درباره زنان در سده‌های چهارم تا هفتم (مقطعی که به طور خاص در این نوشتار بررسی شده) با گزاره‌های نهج البلاغه کاملاً قابل تطبیق و سازگار است.

۱۱۳. ۱۰۳/۵.

۱۱۴. ۶۱۳/۵.

۱۱۵. برای نمونه نک. بیهتی کیدری، ۲۱۲/۱، ۲۶۶، ۳۷۵.



از نتایج این پژوهش برای مطالعات آتی طرح این پرسش است که این ذهنیات عمدتاً بدبینانه سده‌های اولیه و میانه اسلامی درباره زنان از چه سرچشمه‌های فکری و فرهنگی نشأت گرفته است؟ در پاسخی اجمالی به این پرسش علاوه بر سرچشمه‌های کهن دینی و بومی، به دو سرچشمه مهم اثرگذار در قوام گرفتن این اندیشه‌ها باید توجه کرد:

۱- تجربیات اجتماعی و کنش‌های زنان در این ادوار: برای تحقق این پژوهش و استنباط دقیق‌تری از فعالیت‌ها و نحوه کنش‌گری زنان باید به منابعی مراجعه کرد که با نگاهی عینی و به دور از کلی‌گویی و نگرش قالبی تعمیم‌یافته در متون ادبی به مسأله زنان پرداخته باشند. آشکار است که متن مستقلی در این باره در دست نیست، اما متونی از سنخ کتب جغرافیا و نوشته‌های سیاحان و جغرافی‌نویسان مسلمان که با نگاهی مردم‌شناسانه به گروه‌ها و طبقات مختلف جوامع از جمله زنان نگریسته‌اند، برای دستیابی به پاسخ این پرسش از اهمیت بسیار برخوردار است. متونی چون آکام المرجان منجم، صورة الارض ابن حوقل، احسن التقاسیم مقدسی، البلدان ابن فقیه، حدود العالم و ... حاوی بیشترین داده‌های مرتبط به زنان، درباره نحوه ازدواج‌ها و رسوم مربوط به آن، فرزندآوری و نحوه پوشش زنان در مناطق مختلف است. در کنار این جنبه‌های عام، سخن از رواج فساد و زنا و نقش تخریبی زنان در برخی از جوامع نشان‌دهنده بخشی از کنش‌های زنانه است. در ارتباط با مشاغل زنان که شاید بیش از جنبه‌های دیگر بتواند نقش آنها را در اجتماع نشان دهد، حرفه‌هایی بسیار ابتدایی در حد میوه‌چینی و کار در شالیزار یا فروش میوه‌های فصلی در برخی نواحی در این منابع دیده می‌شود. در این منابع به‌ندرت از صفات برجسته یا فعالیت‌های اثرگذاری یاد می‌شود. در سراسر این متون تنها نام معدودی از زنان آن هم شخصیت‌هایی قرآنی مثل آسیه و مریم و هاجر و یانانی از خاندان پیامبر چون سکینه بنت حسین بن علی علیه‌السلام به عنوان چهره‌های شاخص زنان یاد می‌شود و اینها همه نشان‌دهنده فقدان تجربه اجتماعی درخشان و در خور ستایش زنان در این جوامع اسلامی است.

درباره روایات نهج البلاغه درباره زنان هم برخی از نویسندگان و متفکران مسلمان به همین نقص تجربه زیسته اجتماعی زنان اشاره کرده‌اند؛ برای مثال از نگاه محمد عبده مسؤولیت‌های ابتدایی زنان در نگهداری از کودکان و محدود بودن در محیط درون خانه باعث نقصان در عقل اجتماعی زنان شده و نگاهی فراگیر و جهانی است و نمی‌تواند مختص دیدگاهی شیعی تفسیر و تعبیر گردد.

۲- میراث یونانی پس از نهضت ترجمه: برخی از پژوهشگران، نهضت ترجمه در جهان اسلام و برگرداندن علوم و اندیشه‌های یونانی به عربی را مهم‌ترین مجرای انتقال افکار بیگانه به جهان اسلام دانسته و در این مبحث خاص نیز نگاه مطرح شده در متون اسلامی درباره زنان را به طور مستقیم متأثر از آراء یونانی و فیلسوفانی چون ارسطو می‌دانند. ارسطو زنان را از دو جهت، یکی به سبب فیزیک تناسلی و دیگر از لحاظ استعدادهای ذهنی و عقلی، ناقص می‌داند و معتقد است که از این جهات زنان بیشتر به حیوانات شبیه هستند و از حق شهروندی هم برخوردار نیستند. دیدگاه‌های سقراط درباره زنان هم به صورت کلمات قصار و عباراتی حکمت‌آمیز در میان مسلمانان شهرت یافته بوده است.

به نظر می‌رسد این میراث یونانی به طریق اولی به اندیشه غربی هم راه یافته بوده؛ چنان‌که در دوران پیشامدرن، اندیشه غربی هم با همین نگرش زن‌ستیزانه قرین بوده است. چنان‌که به طرز اهانت‌بارتری، مشابه همین فضای فکری در میان اندیشمندان بنامی چون کانت، روسو، نیچه، شوپنهاور و ... دیده می‌شود. به بیان دیگر این ذهنیت بدبینانه مختص جهان اسلام و سده‌های آغازین و میانه نبوده و تا پیش از ظهور اندیشه‌های مدرن و مکاتب اومانیستی و فمینیستی و ... در شرق و غرب، ذهنیتی فراگیر بوده و کاملاً عادی تلقی می‌شده است و گروه‌های مختلف از عوام و خواص و حتی خود جامعه زنان بر این باورهای کهن معتقد شده بوده‌اند.

در جهان اسلام هم به تبع غرب تا پیش از رواج یافتن گفتمان مدرن حامی زنان، اصولاً نکته‌سنجی‌هایی این‌چنین درباره چرایی و چگونگی صدور روایاتی چون گزاره‌های

نهج البلاغه درباره زنان، مطرح نبوده است؛ برای مثال در ایران، نخستین زمزمه‌های تعارض میان افکار دینی (سنتی) و دیدگاه‌های مدرن در مسائل سیاسی و اجتماعی، از جمله حق رأی زنان مجال بروز یافت. دیدگاه‌های شاخص دینی و سیاسی چون سید حسن مدرس که در نطق هشتم شعبان ۱۳۲۹ در دوره دوم مجلس شورای ملی در مخالفت با حق رأی زنان، به فقدان قابلیت و استعداد عقلانی «مستضعفات» اشاره می‌کند، تنها نمونه‌ای است از انبوه باورهای مشابه در این زمینه، و شاهدی است بر تداوم ذهنیت‌های ملامت‌گرانه و گاه ستیزه‌جویانه نسبت به زنان تا دوران معاصر.

### کتابشناسی

- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۳۷۸ ش.
- ابن حوقل، محمد، صورة الارض، لیدن، بریل، ۱۹۳۸ م.
- ابن خلکان، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، لبنان، تحقیق احسان عباس، دارالثقافة، بی تا.
- ابن راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، چاپ عبداللطیف حسینی کوهکمری، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۶ هـ.
- ابن عبدربه، احمد بن محمد، العقد الفريد، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- ابن فقیه، احمد بن محمد، البلدان، چاپ یوسف الهادی، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۶ هـ.
- ابن میثم بحرانی، شرح نهج البلاغه، دفتر نشر الکتب، ۱۴۰۴ هـ.
- ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، بیروت، دار احیاء تراث عربی، ۱۴۱۵ هـ.
- ابومنصور ثعالبی، الاعجاز و الایجاز، قاهره، مکتبه القرآن، بی تا.
- آرام، محمدرضا، حسین آریان، حسین میرزایی نیا، «تحلیل هرمنوتیکی نهج البلاغه، دریچه‌ای به روی انسان معاصر»، فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه، ش ۲۱، سال ۶، ۱۳۹۷ ش.
- ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ذیل کتاب الحیض، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ هـ.
- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، چاپ سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ هـ/ ۱۹۹۶ م.

بیهقی کیدری، محمد بن حسین، حدائق الحقائق فی شرح نهج البلاغه، قم، موسسه نهج البلاغه، نشر عطار، ۱۴۱۶هـ.

جافظ، البیان و التبیان، بیروت، دار و مکتبه هلال، ۱۴۲۳هـ.

همو، البخلاء، بیروت، دار و مکتبه هلال، ۱۴۱۹هـ.

همو، الثرسان و العرجان و العُمیان و الحُولان، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۰هـ.

همو، البغال، بیروت، دار و مکتبه هلال، ۱۴۱۸هـ.

جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ش.

حدود العالم من المشرق الی المغرب، چاپ یوسف الهادی، قاهره، دارالثقافیه للنشر، ۱۴۲۳هـ.

حنفی، حامد، یادنامه نخستین کنگره هزاره نهج البلاغه، تهران، ۱۳۶۰ش.

خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷هـ.

دشتی، محمد، روش های تحقیق در اسناد و مدارک نهج البلاغه، قم، نشر امام علی علیه السلام، ۱۳۶۸ش.

دینوری، احمد بن داود، الاخبار الطوال، چاپ عبدالمنعم عامر، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ش.

ذهبی، شمس الدین محمد، میزان الاعتدال، بیروت، چاپ علی محمد البجاوی، دارالمعرفه، ۱۳۸۲هـ.

زید بن رفاعی هاشمی، الامثال، دمشق، دار سعد الدین، ۱۴۲۳هـ.

سلیمی، حسن، «ارزش و حقوق زنان از دیدگاه علی(ع)»، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی، ش ۱۶۰، ۱۳۸۰ش.

شفیعی، سعید، «نهج البلاغه و نقد تاریخی، پژوهش موردی: وجود و عدم»، پژوهش های قرآن و حدیث، سال ۵۰، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.

شوقی ضیف، الفن و مذاهبه فی النثر العرب، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۶۰م.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، قم، مکتبه مصطفوی، ۱۳۶۸ش.

صفدی، خلیل بن ابیک، الوافی بالوفیات، بیروت، چاپ احمد ارناووط و ترکی مصطفی، دار احیاء التراث، ۱۴۲۰هـ.

صولی، ابوبکر، الاوراق قسم اخبار الشعراء، قاهره، شرکت امل، ۱۴۲۵هـ.

طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۹۶۷م.

- عبده، محمد، شرح نهج البلاغه، دار احیاء الکتب العربیة، بی‌تا.
- عسکری، ابوہلال، الاوائل، طنطا، دارالبشیر، ۱۴۰۸ھ.
- عمر فروخ، تاریخ الفکر العربی الی ایام ابن خلدون، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۳م.
- غزالی، محمد بن محمد، احیاء العلوم، چاپ حافظ عراقی و عبدالرحیم بن حسین، دارالکتب العربی، بی‌تا.
- فتاحی زاده، فتحیہ، رسولی، محمدرضا و حاتمی راد، الہہ، «تأملی در روایات نهج البلاغه در نکوهش زن»، فصلنامہ پژوهش نہج البلاغہ، سال ۲، ش ۶، تابستان ۱۳۹۳.
- قیومی بیدہندی، مہرداد و نازنین شہیدی، «رویگرد تاریخ فرهنگی و امکان و فواید آن در معماری ایران»، مطالعات تاریخ فرهنگی، دورہ ۵، ش ۱۷.
- گراہام، آلن، بینامتنیت، ترجمہ پیام یزدانجو، تہران، نشر مرکز، ۱۳۸۵ش.
- ماوردی، ابوالحسن، ادب الدنیا و الدین، بیروت، دارمکتبہ ہلال، ۱۴۲۱ھ.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجوہر، قم، موسسہ دارالہجرۃ، ۱۴۰۹ھ.
- مسکویہ رازی، ابوعلی، تجارب الامم، چاپ ابوالقاسم امامی، تہران، سروش، ۱۳۷۹ش.
- مفضل ضبی، امثال العرب، بیروت، دار مکتبہ ہلال، ۱۴۲۴ھ.
- مفید، محمد بن محمد، الجمال و النصرة لسیدالعترة فی حرب البصرة، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۱ش.
- مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفۃ الاقالیم، ترجمہ علینقی منزوی، تہران، کومش، ۱۳۸۵ش.
- مکی، ابوطالب، قوت القلوب، بی‌تا، ۱۴۱۷ھ.
- منجم، اسحق بن حسین، آکام المرجان فی ذکر المدائن المشہورۃ فی کل مکان، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۸ھ.
- نامور مطلق، بہمن، درآمدی بر بینامتنیت: نظریہ‌ها و کاربردها، تہران، ۱۳۹۰ش.
- نهج البلاغہ، چاپ صبحی صالح، موسسہ دارالہجرۃ، قم، ۱۴۱۴ھ.

Aristotle, *Politics*, trans. H. Rackham, London, Loeb Classical Library and Harvard University Press, 1932.

Amina Inloes, "Was Imam Ali a Misogynist? The Portrayal of Woman in Nahj-al Balaghah and Kitab Sulaym ibn Qays", *Journal of Shi'a Islamic Studies*, Summer 2015, vol.VIII, no.3.

Kristeva, J. Semiotics, "A Critical Science and/or a Critique of Science", *The Kristeva Reader*, t., Ed. Toril Moi, Oxford, B. BlackWell.

Scholem, Gershom, "Lilith", *Encyclopedia Judaica*, USA, Macmillan, 2007.